**به نام خداوند**

**ریاست محترم هیات بدوی/تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات در آزمون سراسری/ دیوان عدالت اداری**

**با درود و احترام**

**در پاسخ به اتهام وارده دایر تبانی و برنامه ریزی قبلی برای انجام تقلب و دریافت پاسخ های امتحانی ، اینجانب/اینجانبه.... فرزند... کد ملی ....داوطلب آزمون سراسری سال... و در جهت رد اتهام مطروحه به استحضار عالی می‌رساند :**

**اولا-نظر به اینکه رعایت مقررات شکلی نظیر ضوابط مقررات مربوط به ابلاغ ، ارجاع امر به کارشناس در موضوعی که جنبه فنی و تخصصی داشته و استعلام از مبادی ذی‌ربط جهت کشف حقیقت ، و عدم وجود نقص تحقیقاتی در رسیدگی و رعایت مقررات ماهوی به جهت تعیین تناسب در تعیین مجازات منطبق با فعل یا ترک فعل ارتکابی با قوانین و مقررات مربوطه و البته توجه به دلایل و مدافعات طرفین ،موجه و معتدل بودن رای یا تصمیم ، عدم استنتاج مغایر با مفهوم و منطوق و مدلول قانون ، تبعیت از آراء هیات عمومی در رسیدگی و دفاع و....... از سوی مراجع اختصاصی اداری و نهادهای شبه قضایی موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری الزامی است و عدم رعایت هر یک از اصول و قواعد شکلی و ماهوی به عنوان ایراد محسوب می‌شود در پرونده حاضر با صرفنظر از اینکه نوع اتهام مطروحه در برگ ابلاغ با مضمون (اقدام به تبانی و برنامه‌ریزی قبلی برای انجام تقلب و دریافت پاسخ نامه های امتحانی در جلسه آزمون )درج گردیده در حالیکه این عنوان با متن عنوان قانونی قید شده در بند ۲ ماده ۵ قانون پیش گفته در تغایر بوده و از مصادیق تفسیر موسع آن می‌باشد. هیات محترم در همان یک برگ ابلاغیه ، صرفاً عنوان قانونی اتهام منطبق با بند ۲ ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات در آزمون‌های سراسری مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۰۶ را به اینجانب ابلاغ و درج نموده است در حالی که مکلف بوده علاوه بر آن ،نوع عمل ارتکابی را که منطبق با قانون یاد شده می باشد را نیز با مفاد مندرج در قانون تطبیق داده و آن را به اطلاع اینجانبه برساند تا امکان تدارک دفاع در مهلت قانونی در خصوص عمل ارتکابی برایم فراهم گردد بنابراین از این جهت ابلاغیه فاقد شرایط شکلی موثر قانونی بوده و قابل توجه نمی باشد.**

**ثانیا-در فرض انتساب اتهام به اینجانبه به عنوان عضویت در کانال تلگرامی (که حسب ظاهر این کانال مدعی دسترسی به سوالات کنکور بوده) نیز بایستی مقدمتا به عرض می رساند :**

**مادر/پدر اینجانب/اینجانبه بدون اطلاع بنده و از طریق سیم‌کارت و حساب تلگرامی خویش در فضای مجازی به عضویت کانال تلگرامی درآمده که این کانال خود را متولی و نماینده امور پذیرش تحصیلی در دانشگاههای معتبر از جمله...../خود را موسسه دارنده نزدیک ترین سوالات مرتبط با سوالات کنکور جهت تقویت علمی معرفی و در قبال انجام این خدمت نیز علاوه بر دریافت مبلغی پول مدارک تحصیلی اینجانب را جهت بررسی و تطبیق با مقررات پذیرش و درسی دانشگاههای دیگر اخذ نموده است .(ناگفته نماند که مادرم/پدرم از طریق ارتباط با ادمین کانال تصویر کارت شرکت در آزمونم را نیز برای ایشان ارسال می نماید) لیکن نهایتا این کانال با حذف حساب تلگرامی خویش نه تنها به تعهدات خود عمل ننموده بلکه وجه پرداختی مورد نظر را نیز به ایشان مسترد نمی نمایند. لذا نظر به مطالب معروضه :**

**اول اینکه-اینجانب/اینجانبه به هیچ عنوان عضو کانال یا گروهی که مدعی خرید ، فروش و انتشار سوالات آزمون سراسری بوده نبوده و نیستم و همانگونه که قبلا هم عرض کردم مادرم از طریق سیم کارت تحت مالکیت خویش ، بدون اذن و اجازه بنده (که عنداللزوم از مخابرات و مراجع ذیربط قابل استعلام است) و به شرح پیش گفته اقدام نموده لذا مستندا به اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و البته مجازات و وحدت ملاک از ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیتی از این جهت متوجه اینجانبه نمی باشد.**

**دوم اینکه : نظر به اینکه مادرم صرفا به قصد دریافت پذیرش تحصیلی برای بنده در سایر مراکز علمی/دریافت سوالات مشابه جهت تقویت بنیه علمی اقدام به عضویت در کانال متخلف شده و به هیچ وجه سوء نیتی در ارتکاب عمل تبانی به قصد تقلب یا تخلف در تهیه سوالات کنکور نداشته (خاصه اینکه محتوا و عنوان کانال یاد شده نیز به همین عنوان قید شده بوده) و به معنای دیگر عنصر روانی جرم به عنوان یکی از ارکان اشکال دهنده جرم در مورد وی مفقود بوده بنابراین دیگر موجبی برای انتساب اتهام تبانی .....به قصد تخلف در کنکور وجود ندارد.**

**سوم اینکه-همانگونه که مستحضرید در حقوق کیفری ایران عناصر عمومی جرم مشتمل بر سه رکن قانونی، روانی و مادی است از آنجا که عضویت در کانال تلگرامی به قصد تبانی تخلف در کنکور از جمله جرائم مقید محسوب می گردد و در پرونده حاضر نیز نه مادرم و نه اینجانبه(در فرض توجه اتهام به اینجانبه/اینجانب)به هیچ وجه از خدمات احتمالی کانال موصوف بهره نجسته و با مداقه در میزان مبلغ پرداختی به گردانندگان کانال (به ماخذ چهار میلیون....)و نتیجه و رتبه حاصل شده در کنکور مورد تنازع و عدم تناسب رتبه مکتسبه (۸۳۰ ) و مبلغ پرداخت شده از این جهت نیز رکن مادی تخلف و عنصر عنوان شده نیز مفقود می باشد لذا از این نظر نیز از اتهام مطروحه مبری می باشیم.**

**ثالثا-همانگونه که مستحضرید بر اساس تعریف مزبور در ماده یک قانون سنجش و پذیرش دانشجو مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۳۰ مجلس شورای اسلامی سابقه تحصیلی عبارت است از《نمرات دروس سه سال آخر دوره متوسطه که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت سراسری نهایی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد》. در پرونده حاضر و به دلالت اسناد تقدیمی از جمله کارنامه و سوابق تحصیلی سه سال آخر دوره دبیرستان ، اینجانبه دارای سوابق درخشان و معدل بسیار عالی در هر سه سال مد نظر قانونگذار می‌باشم به‌طور مثال معدل کل سال دهم ... و یازدهم....و دوازدهم....میباشد و در خصوص دروس تخصصی از جمله :**

**۱-ریاضی به ترتیب سنوات...**

**۲-شیمی....**

**۳-عربی...**

**۴-زبان...**

**۵-فیزیک...**

**۶-زیست...**

**در سه سال آخر دبیرستان می باشم بنابراین با وجود سوابق تحصیلی بسیار درخشان که گواه بر وجود تلاش مستمر و بی وقفه در دوره تحصیلی بوده دیگر دلیلی برای بهره مندی از سایر طرق غیر قانونی ( از جمله تقلب و یا تبانی) جهت موفقیت در آزمون سراسری وجود نداشته لذا بدون شک عنصر معنوی تخلف در پرونده حاضر و به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده آن ،مفقود بوده خاصه آنکه برابر مفاد تبصره ۴ قانون مارالذکر (در پذیرش دانشجو تأثیر سابقه تحصیلی سالانه به صورت تدریجی و صعودی است و پس از پنج سال حداقل هشتاد و پنج درصد (۸۵%) ظرفیت پذیرش دانشجو در کل کشور بر مبنای سابقه تحصیلی خواهد بود.پس مقرر بوده که تاثیر سوابق تحصیلی به عنوان نتیجه مثبت در پذیرش و قبولی دانشجو اعمال شود و لذا ارجاع پرونده به هیات رسیدگی به تخلفات اداری آزمون سراسری بدون توجه به این سنجه فاقد وجاهت قانونی بوده و شایسته تایید نمی باشد.**

**رابعاً-اگرچه مباشرت یا مشارکت در ارتکاب تخلف در آزمون با رعایت مادتین ۵ و ۶ قانون رسیدگی به تخلفات در آزمون سراسری قابلیت پیگرد اداری و قضایی دارد لیکن هیچگونه دلیلی از سوی هیات مارالذکر که حکایت از مباشرت یا مشارکت اینجانب/اینجانبه در تبانی یا برنامه‌ریزی قبلی به عنوان مباشر در انجام تقلب یا تخلف در کنکور سراسری ارائه نگردیده. و با مداقه در ضوابط رسیدگی به این بند از قانون نیز این چنین بر می‌آید که معاونت در ارتکاب تخلف برنامه ریزی در آزمون سراسری مستوجب پیگیرد اداری نبوده و قانونگذار صرفاً مباشرت یا مشارکت را در این بند را قابل رسیدگی در این هیات ها دانسته است بنابراین از این جهت نیز انتساب این اتهام به اینجانبه ، بر خلاف مقررات قانونی یاد شده بوده و شایسته توجه نمی باشد..**

**ریاست محترم**

**اول اینکه - همانگونه که مستحضرید تبانی به معنای توافقی سری و غیر قانونی بین دو یا چند نفر به جهت به دست آوردن مزایای غیر منصفانه می باشد علاوه بر این که بنده مصرانه منکر هرگونه تبانی با شخص یا اشخاص دیگر به جهت تخلف در کنکور می باشم و در پرونده حاضر هم هیات محترم دقیقاً مشخص ننموده که برابر کدام عمل مخالف با قانون ، بنده متهم به تبانی و برنامه ریزی برای کنکور شده ام و مستند آن چه بوده است ؟ و کدامیک از اقدامات بنده از مصادیق احراز چنین اتهامی علیه اینجانبه می باشد ؟ و همانگونه که مستحضرید برابر آراء متعدد هیات عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رای شماره ۱۰۱ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸ و ۱۱۹ ۱۳۶۸/۱۲/۲۴ آراء و تصمیمات مراجع قضایی و شبه قضایی بایستی مستدل ، مستند و مبتنی بر ضوابط شرعی و قانونی باشد لذا از آنجا تصمیم سازمان سنجش و آموزش کشور به ارجاع موضوع به هیات مارالذکر بدون توجه به مقررات و مستندات تقدیمی بوده بنابراین از این منظر نیز انتساب اتهام معنونه فاقد وجاهت قانونی بوده و شایسته تایید نمی باشد.**

 **دوم اینکه -با توجه به عدم وجود تفاوت فاحش بین سوابق تحصیلی و نمره اکتسابی در آزمون سراسری ، تصمیم هیات بدوی محترم رسیدگی به تخلفات در آزمون سراسری در انتساب اتهام تبانی و تقلب در انجام تخلف به اینجانبه خلاف اصول ۲۵ ، ۲۲ و ۳۶ ، ۳۷ و ۱۶۷ قانون اساسی و همینطور مادتین ۲، ۳ و ۴ و ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دایر بر اصل برائت بوده و از این منظر این تصمیم دارای استحکام لازم نبوده و فاقد وجاهت قانونی می باشد..**

**سوم اینکه- همانگونه که مستحضرید بر اساس منابع معتبر فقهی و قوانین مدونه از جمله قاعده ( الحدود تدر بالشبهات) و در فرض تردید در مجرمیت متهم، فرض بر برائت متهم و رعایت حقوق مکتسبه وی می‌باشد بنابراین از آنجا که رتبه مکتسبه اینجانبه در آزمون سراسری سال ۱۴۰۰ به طریق مشروع و قانونی به دست آمده و دلیلی بر انجام تقلب وجود ندارد، بنابراین به دلالت آراءمتعدد هیات عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رای شماره ۴۳۰ مورخ ۸۸/۶/۱۸ و ۵۴۴ مورخ ۸۳/۱۰/۲۷ و ۳۸۹ و ۷۰۵ امکان سلب ، تغییر و تحدید حقوق مکتسبه اشخاص که به طریق قانونی به دست آمده جز در موارد منصوص قانونی وجود نداشته لذا از این جهت نیز تقاضای صدور حکم به برائت اینجانبه مورد تمناست.**

**و دست آخر اینکه نظر به معروضه و جهت اثبات اظهارات و ادعای مزبور در این دفاعیه در صورت صلاحدید هیات محترم بدوی رسیدگی به تخلفات حاضر به شرکت در آزمون مجدد همانند سایر داوطلبانی که صلاحیت علمی ایشان مورد شک و تردید واقع گردیده در یک یا چند درس در زمان تعیینی توسط آن هیات محترم می باشم.**